

یادداشت

سلب‌رتبه‌های سیاسی

آنان که تندترند درصدند نشان بدهند از عقاید سابق خود پیشمان شده‌اند و در پی بازنویسی گذشته‌شان در حافظه مردم هستند. آنچه سیاست اکثریتی بازتولید می‌کند، تثبیت وضع موجود است. شاید بتوان گفت با اینکه وضعیت اقتصادی و سیاسی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد، بااین‌حال بازار بحث‌های سلب‌رتبه‌های سیاسی داغ است و آنان همواره در صحنه هستند. موقعیتی که پیش از آن در دست سلب‌رتبه‌های هنری-ورزشی بود که در سال ۱۴۰۱ یکباره ورشکسته شدند. آیا این ورشکستگی سیاسی هم در انتظار سلب‌رتبه‌های سیاسی است؟

امت یا ملت؟

کنفرانس جنبش‌های رهایی‌بخش را در تهران برگزار کردیم و از مبارزان فلسینی تا سرخ‌پوستان آمریکای را گرد آوردیم و چه و چه. یاد هست حتی مرحوم محمد منتظری = چه پرشور در این راه جان‌فشانی‌ها کرد و گذشت آنچه گذشت. گذشت یعنی اینکه وقتی مدت‌زمانی گذشت، کم‌کم این معنا که بالاخره ما یک کشور هستیم و در یک واحد سرزمینی مشخص زندگی می‌کنیم و نسبت به مردم همین سرزمین مسئولیت‌هایی داریم، واقعیتی شد که از آن معنای امت واحده فاصله بگیریم و به مرور مفهومی جدید به نام «ام‌القرای جهان اسلام» متولد شد که هدف‌گذاری‌اش با آن معنای امت واحده تفاوت داشت و اینکه اول باید اینجا را ساخت و اینجا را به‌عنوان الگویی در جهان معرفی کرد که نمی‌شود اینجا آباد نباشد و بعد ادعای آبادانی جهانی داشت. از دل چنین تصویری، تصویری ایدئالانی ساخته شد که اول از «زاین اسلامی» و بعد «چین اسلامی» و بعد «کره اسلامی» می‌گفت. اما داستان آن‌طورها هم نگذشت و یک جوهرایی، هرازگاهی معنای امت و امت واحده دوبار سر بررون می‌کرد و بسته به موقعیت، خود را به رخ می‌کشید و هنوز هم به رخ می‌کشد.

نمونه آخرش که می‌توان گفت از دل همین مفهوم امت زاییده شده، بخش‌هایی از قانون عفاف و حجاب است که منتشر شده و از آن باخبریم؛ به‌خصوص آنجا که گفته اتباع بیگانه هم می‌توانند به شهروندان ایرانی تذکر حجاب بدهند و دسته‌هایی برای امر به معروف راه بیندازند. یعنی یک عده که تابعیت کشوری دیگر را دارند و تحت قوانین و پرچم کشوری دیگر هستند، به آن زن ایرانی که زیر بیرق ایران است، تذکر دهند که باید حجاب را رعایت کنی و این میسر نیست مگر اینکه با دیدگاه امت و نه ملیت چنین قانونی نوشته شده باشد؛ اینکه همه ما یک امتیم و امت بر ملیت ارجحیت داشته باشد.

اینکه بعد از ۴۶ سال هنوز تکلیف ما با خودمان روشن نیست که آیا یک امتیم یا یک ملت، نکته عجیبی است و عجیبت را مکت هر وقت لازم ببینیم، امت می‌شویم و آنجایی که نیاز داشته باشیم، ملت می‌شویم. هم مرزهای سیاسی را ارجح بدانیم و هم مرزهای سیاسی را بی‌اهمیت قلمداد کنیم. این دوگانگی و تعارض این‌گونه نیست که فقط به نفع ما باشد که می‌تواند به ضرمان هم تمام شود. این نوعی بلاتکلیفی است و بلاتکلیفی بسیار مستعد آن است که تکثیر شود و گسترش یابد و مهم‌ترین ضررش وقتی است که به جامعه عرضه شود. آن وقت است که جامعه با این بلاتکلیفی همراه نمی‌شود و در مقابل آن موضع می‌گیرد و مقاومت می‌کند و جامعه که با موضوعی همراه نشود، قطع و یقین، آن موضوع به سامان نمی‌رسد و نتیجه نخواهد داد.

مثال‌ها و نمونه‌هایش هم بسیار است و تکرارش مالا لور که درباره همین قانون و حجاب و عفاف هم از حالا معلوم است سرنوشتش چه خواهد شد. اما مهم‌تر از آن، ما‌جاری دیگری است؛ آنجا که دیگر کفگیر به ته دیگ خورده و به قول رئیس جمهور در آخرین گفت‌وگوی تلویزیونی‌اش، برای مثلا یک مورد خاص گفت ما پول نداریم حقوق بازنشتگان را بدهیم و آن‌وقت از ساخت چند میلیون مسکن می‌پرسیدی؟ این گفته اتفاقا کلید ماجراست و منشا بسیاری پرسش‌ها که مثلا وقتی خانم بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، می‌گوید «۲۷ دستگاه دولتی و حاکمیتی برای موضوع حجاب بودجه دریافت می‌کنند»، سؤال این می‌شود که خب نتیجه‌اش چه؟ آیا فایده‌ای هم داشته؟ یا اینکه نتیجه طوری بوده که به اتیان بیگانه هم مجوز داده شود تا آنها هم امر به معروف کنند و آن‌وقت آیا آنها هم قرار است بودجه بگیرند و اصلا وقتی به قول رئیس‌جمهور پول نداریم که حقوق بازنشتگان را بدهیم، چقدر از بودجه کشور دارد صرف جاهایی می‌شود که نتیجه‌اش معلوم نیست و آخرش چه؟ آخرش اینکه با این وضع که این همه دستگاه‌ها که بودجه می‌گیرند و حاصلش این شده، بعد قرار است یارانه را حذف کنیم؟ خب قبول، یارانه را حذف کنیم، ولی آن پولی که از حذف یارانه ذخیره می‌شود، چگونه خرج خواهد شد؟ آیا قرار است همین‌جا در این قانون که مبنایش امت واحده بوده، خرج شود؟ خب اینها سؤال است و کلی سؤال دیگر که اگر جواب داده نشود و جوابش ایجاد رضایت نکند، همراهی اجتماعی را نخواهد داشت و گمان نمی‌کنم انتظار داشته باشیم‌که بی‌همراهی جامعه بشود کشور را اداره کرد. می‌شود؟

این ناترازی ذهنیت و مطالبات دانشجویان با خدمات ارائه‌شده دلایلی مختلف دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- توسعه بی‌رویه در چند دهه گذشته بلای جان آموزش عالی کشور شده و کمیت، جایگزین کیفیت شده است و این افزایش کمی چه در تعداد پذیرش دانشجویان روزانه و دانشجویان شهریه‌پرداز به بهانه درآمذایی و چه در تعداد رشته‌ها، گروه‌ها، دانشکده‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی کاملا مشهود است.

۲- زیرساخت‌ها اعم از فضاهای فیزیکی، تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با این کمیت افزایش یا توسعه پیدا نکرده است و منابع محدود در بین جمعیت بیشتر دانشجویان تقسیم شده است.

۳- استفاده بیش از اندازه از زیرساخت‌ها و تجهیزات بدون نوسازی و به‌روزرسانی و تعمیرات اساسی و مقاوم‌سازی باعث فرسودگی، خرابی بیش از اندازه و به چالش کشیده شدن خدمات رفاهی شده است.

۴- عدم جذب نیروی متخصص و کارآمد در چند سال گذشته و بازنشتستگی نیروهای بانجریه یا نبود دوره‌های توانمندسازی منسجم و منظم و براساس نیاز و تغییرات نسلی در بین دانشجویان در کنار موارد زیرساختی فوق، روزه‌روز باعث افزایش ناراضیاتی دانشجویان شده است.

۵- شرایط سخت حاکم بر جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باعث شده است جوانان و نخبگان دانشگاهی که بخشی از آنها از مناطق کم‌برخوردار بوده و با تلاش فراوان برای دستیابی به رفاهیت بیشتر وارد دانشگاه‌های بزرگ کشور می‌شوند، علاوه‌بر تغذیه و اسکان، نیاز به مراقبت‌های ویژه از لحاظ شرایط روحی و روانی داشته باشند. بنابراین اهمیت مراکز مشاوره و سبک زندگی را دوچندان کرده است و از طرفی سلامت جسمی آنها به غذای سالم، دارو، درمان و امکانات ورزشی نسبتا ارزان وابسته شده است؛ بنابراین عدم پاسخ‌گویی به‌موقع به این مطالبات باعث نارضایتی، بی‌اعتمادی به مدیران، اعتراضات، آسیب‌های اجتماعی، نظیر افسردگی، اعتیاد، افزایش پرونده‌های انضباطی، کم‌بسیون موارد خاص، مشروطی، ترک تحصیل می‌شود و در برخی از موارد منجر به مهاجرت آنان خواهد شد.

۶- با همه اینکه تلاش‌های بسیار زیادی از سوی مدیران زمتکش دانشگاه انجام می‌گیرد که کمبودهای فوق را با ابتنا و ازخودگذشتگی جبران کنند، ولی نبود منابع کافی و همچنین یک برنامه مشخص و منسجم و مستمر برای کیفی‌سازی باعث شده است سیستم در یک دور و تسلسل باطل درجا بزند و تغییر مکرر مدیران باعث شده است برنامه و چشم‌انداز طولانی‌مدت برای بهترشدن اوضاع دیده نشود و اکثر مدیران دچار فرارزنگری و به دنبال مسکن‌های قوی برای تسکین درد باشند.

سخنی با کارگزاران نظام و نهادهای امنیتی و سیاسی

نگرانی و دغدغه شما برای ایجاد امنیت و آرامش برای کشور و به‌ویژه برای دانشگاه‌ها قابل درک و احترام است. بدون آرامش و امنیت اجتماعی شروع و به نتیجه رساندن هیچ‌گونه کار اساسی وجود ندارد. امنیت مثل غذا، سریناه و غرایز جنسی جزء نیازهای اولیه بشر است و در آن شکی نیست ولی اینکه چگونه بتوان در دانشگاه‌ها امنیت و آرامش ایجاد کرد تا هم امکان آزادی بیان و آزادی اندیشه باشد و کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شود و داووم داشته باشد و تشکلهای دانشجویی فعالانه در صحنه باشند و صداهای آنها شنیده شود و آزادی پس از بیان آنان نیز وجود داشته باشد و بتوان آرامش در بین دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه را حفظ کرد و مراقب ایجادشدن حاشیه به

آگهی مناقصه عمومی –نوبت اول

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء – مؤسسه شهید رجایی در نظر دارد عملیات اجرایی حفاری ماشینی شمع در پروژه تقاطع غیرهمسطح طح فراهان – پروژه تقاطعهای غیر همسطح کلانشهر اراک را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای توانمندی و صلاحیت لازم و نیز سابقه فعالیت مرتبط در این خصوص می‌باشند، دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: اراک، میدان امام خمینی(ره)(سه راه خمین)، کمربندی شمالی(بلوار امام علی (ع))، روبروی پمپ بنزین آاری، انتهای خیابان جهاد نصر مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۴۳۳۲۳۳۰۰۸۶-۰۸۶-۹۱۸۹۶۶۸۰۸ تماس حاصل نمایند.

مهلت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ هر روز به غیر از روزهای تعطیل از ساعت ۱۲ تا ۱۷ می‌باشد.
۱-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه عملیات اجرایی حفاری ماشینی شمع در پروژه تقاطع غیرهمسطح فراهان ۳.۴۷۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال میباشد.
پیمانکاران می‌بایست جهت دریافت اسناد معرفی نامه ارائه نمایند.
در ضمن هزینه چاپ هر دو نوبت آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

خاطر این آزادی‌ها شد، اهمیت دارد. این مسئله به هنر و اعتماد شما به دانشگاهیان برمی‌گردد. شما قبول و تأکید دارید که دانشگاه باید از سوی دانشگاهیان مدیریت و کنترل شود و نگاه‌های امنیتی به دانشگاه نه‌تنها جواب نداده در خیلی از موارد باعث ایجاد حساسیت و تنش شده است. نسل جدید دانشجویان که از آنها به‌عنوان نسل Z یا نسل نت یاد می‌شود، دارای ویژگی خاصی هستند و معمولا دستور از بالا به پایین را نمی‌پذیرند، لج‌بازی می‌کنند، حاضر جواب هستند و در احترام به بزرگ‌تراها یا استادان مثل ما فکر نمی‌کنند.

ولی باهوش هستند، شفاف و صادق هستند و به خاطر وجود فناوری‌های دیجیتال اطلاعات خوبی درباره موضوعات مختلف دارند، بخش زیادی از خواسته‌های آنها صنفی و قابل پاسخ‌گویی هست بنابراین اولین قدم برای درک متقابل داشتن گوش شنوا و سعه صدر است. فضای مجازی را دیگر نمی‌توان از جوانان گرفت یا فیلترکردن و پابین‌آوردن سرعت اینترنت هم نمی‌توان مانع استفاده از آن شد، بلکه باید قوانین و مقررات شفاف برای آنها وضع کرد. فضای مجازی یک ابزار است؛ اینکه چگونه از این ابزار استفاده کنیم، به رویکرد و قوانین و مقررات وضع‌شده ما بستگی دارد. اگر فضای مجازی درست مدیریت شود، یک فرصت است و نه یک تهدید. دانشگاه نیاز به کارهای فرهنگی و اخلاقی و مشارکتی دارد و نه نگاه محدود، سلیقه‌ای، حذفی و امنیتی. کمبود منابع در دانشگاه باعث تنازع یبقا یا استفاده بیشتر از منابع محدود است، بنابراین افزایش جمعیت دانشجویی در دانشگاه با توجه به ناترازی‌های گسترده در منابع در اختیار مدیران دانشگاهی، باعث ایجاد چالش خواهد شد و این یک اصل انکارناپذیر است، بنابراین به جای نگرانی از فعالیت دانشجویان و توصیه و سفارش‌های مکرر به مدیریت دانشگاه‌ها در چگونگی مدیریت و کنترل آنان، پیشنهاد می‌شود به دغدغه‌ها و مطالبات صنفی و بحق دانشجویان و دانشگاهیان اهمیت بدهیم و به دانشجویان و مدیران دانشگاهی اعتماد کنید و به آنان اختیار عمل بیشتری دهید تا آنها نیز به کارگزاران اعتماد کنند و در برابر اختیارات داده‌شده پاسخگو در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها باشند و در موارد حساس و کلان با احساس مسئولیت بیشتر با شما همراهی و همکاری کنند.

سخن پایانی

اولا، برای حل چالش‌های فوق در قدم اول نیاز به پذیرش مسائل و دردهای زمن دانشجوی و دانشگاه است که پذیرش این موضوع نیاز به تغییر رویکرد دارد، یعنی تغییر نگاه از تهدیدهای بالقوه و امنیتی و تقابلی بر رویکرد تعاملی و وجود فرصت‌های زیاد متمركز شود، بنابراین با اعتماد به دانشجویان و بازکردن فضا برای فعالیت آنها چه در تشکل‌ها، چه در کانون‌ها و انجمن‌ها، باید یک محیط شاد و ایمن برای آنها فراهم کرد و امید به آینده و امیدوار به بهترشدن اوضاع را در آنها زنده کرد. تا زمانی‌که این مهم رخ نداده است، تلاش برای افزایش خدمات رفاهی برای جلب رضایت آنها، یک تلاش بی‌بهره و آب در هاون کوبیدن و اقیانوس به این مطالبات ناپاده‌های قدرت اعم از مدیریت دانشگاه و حاکمیت تعامل کنیم و نه تقابل. در تقابل هر دو طرف بازنده هستند و در تعامل سازنده هر دو طرف برنده. از حداقل فرصت‌ها حداکثر بهره را ببریم و فرصت‌سوزی نمانیم. در تحصیل در دانشگاه لذت ببریم و در کنار آموزش و پژوهش، مهارت زندگی، مهارت کشنگری، مهارت نقد، مهارت بیان، مهارت تحمل مختلف، مهارت احترام به فرهنگ‌ها و مهارت‌های مختلف، مهارت برخورداری و دیگرخواهی، مهارت شاد زیستن و مهارت امیدوار بودن به آینده کشور را یاد بگیریم.



علیناصحیمنصحنه فارغ‌التحصیلی

تقابل یا تعامل؛ انتخاب با خودمان است

باشند، بنابراین کارگزاران: ۱) باید در تخصیص منابع بیشتر به دانشگاه و دانشجو و همچنین تخصیص یارانه به قشر آسیب‌پذیر دانشجویان بیش‌ازپیش تلاش کنند. ۲) کیفیت را جایگزین کمیت کنند و در پذیرش دانشجویان و فارغ‌التحصیل شدن به‌موقع آنان تناسب ایجاد کنند و هم در نوسازی و تجهیز زیرساخت‌ها و هم ساخت ساختمان‌های جدید فعالانه عمل کنند. لازم به ذکر است که درحال حاضر درباره تغذیه، هم دولت یارانه خوبی می‌دهد و هم همه مدیران دانشگاه تلاش می‌کنند تا غذای باکیفیت مناسب دست دانشجویان برسد ولی نتیجه چندان مطلوب نیست. در انتها هم دولت، هم دانشگاه و هم دانشجو نارضی است. علت آن در یک سال این است «دولت و داشگاه بلندمدت است که در طولانی‌مدت منجر نیستند»، بنابراین پیشنهاد می‌شود با حفظ و داووم یارانه

غذا به دانشجویان، به سمت توسعه غذایی‌های مکمل و برون‌سپاری تغذیه برویم و از ظرفیت و مشارکت بیشتر بخش خصوصی برای ارائه رفاهیات به دانشجویان حرکت کنیم. فراموش نکنیم تخصیص منابع بیشتر به آموزش عالی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است که در طولانی‌مدت منجر به عدالت آموزشی و توسعه متوازن و پایدار کشور خواهد شد و نگاه هزینه‌ای و مصرفی به این‌گونه سرمایه‌گذاری یک خطای راهبردی است. دولت‌ها باید به این باور برسند که حتی در اوج کسری و ناترازی بودجه و چالش‌های اقتصادی نه‌تنها نباید بودجه آموزش و پرورش و آموزش عالی را کم کرد، بلکه برای برورن‌رفت از چالش باید بودجه این نهادهای دانش‌نیز را بیشتر کرد.

ثانیا، باید روز دانشجو و یاد و خاطره شهدای این روز مثل دیگر روزهای تاریخی و مهم، گرامی داشته شود و به اصل و اساس و آرمان خود که مبارزه با استبداد، استعمار، دخالت بیگانگان، فساد و تبعیض است، برگردد و مراقبت و مواظبت کرد تا فضیه لوث نشود و خدای ناکرده مثل چهارشنبه‌سوری آخر هر سال باعث نگرانی و خاندان‌سوزی و دغدغه امنیتی کارگزاران و شهروندان نشود. این ما هستیم که تعیین می‌کنیم در کنار هم و در تعامل با یکدیگر خوشبخت باشیم یا در تقابل هم نکتب و بدبختی برای یکدیگر و کشور به‌همراه داشته باشیم. از تاریخ سوریه و ویرانه‌های آن، از عراق، افغانستان، یمن و لبنان درس بگیریم. اختلافات داخلی خاندان‌سوزان، ستم و بیچارگی و آوارگی و عقب‌ماندگی با خود به همراه دارد. هوشیار باشیم و مطالبات بحق و مدنی و صنفی خود را به درگیری‌های خیابانی و کشمکش‌های بی‌فایده و تیه‌کننده تبدیل نکنیم.

رابعا، دانشجویان، نخبگان و آینده‌سازان عزیز! باید واقعیت‌ها و شرایط کشور را قبول کنیم و از آسمان‌ها به زمین بیاییم و دلمانوارهای مسیر را ببینیم و از گذشته جنبش‌های دانشجویی، شکست‌ها، انزوا و به قتل رسیدن روشنفکران در تاریخ ۲۰۰ساله ایران درس بگیریم و گذشته را چراغ راه آینده قرار دهیم و از مطالبات حداکتری در حداقل زمان ممکن دست برداریم و اصلاحات تدریجی و آهسته در یک شرایط آرام را مدنظر قرار دهیم و برای اصلاحات و مطالبات خود نقشه راه تهیه کنیم و برای رسیدن به این مطالبات ناپاده‌های قدرت اعم از مدیریت دانشگاه و حاکمیت تعامل کنیم و نه تقابل. در تقابل هر دو طرف بازنده هستند و در تعامل سازنده هر دو طرف برنده. از حداقل فرصت‌ها حداکثر بهره را ببریم و فرصت‌سوزی نکنیم. در تحصیل در دانشگاه لذت ببریم و در کنار آموزش و پژوهش، مهارت زندگی، مهارت کشنگری، مهارت نقد، مهارت بیان، مهارت تحمل مختلف، مهارت احترام به فرهنگ‌ها و مهارت‌های مختلف، مهارت برخورداری و دیگرخواهی، مهارت شاد زیستن و مهارت امیدوار بودن به آینده کشور را یاد بگیریم.

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان کرمانشاه

اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۴۱۳۰-۱۴۰۳۰۳۰۶-۱۴۰۳۰۳۰۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۳ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض تقاضای آقای وحید امیری فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۲۲۰ صادره از کرمانشاه در ششادانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۰۰۵۰۶ مترمربع در پلاک ۴ فرعی از ۱۱ اصلی واقع در بخش دو حومه روستای سرارود سفلی خریداری از مالک رسمی آقای نقدعلی الهی هرسینی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۴۰۲/۰۹/۱۲/م/الف/۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول، ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم، ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ فرهاد نادری-رئیس ثبت اسناد واملاک ۸۱۱۵

گزارش

قدرت‌های اروپا در بحران

سقوط دولت فرانسه پس از رای عدم اعتماد پارلمان، دومین قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا را در بحران سیاسی عمیقی فروبرده و این کشور را وارد مسیر پرتلاطم سیاسی و اقتصادی کرده است. رای عدم اعتماد پارلمان، میشل بارنیه را از سمت نخست‌وزیری برکنار کرد. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، بارنیه را در ماه سپتامبر به این سمت منصوب کرده بود.

بارنیه در هفته‌های پس از انتصاب با مقاومت‌هایی مواجه شد؛ زیرا او یک طرح مالی را برای کاهش کسری بودجه فرانسه مطرح کرده بود. دولت در طرح خود راه‌های جبران کاهش کسری عمومی را از طریق افزایش مالیات‌ها، کاهش جزئی در حقوق بازنشستگی، کاهش هزینه‌های دولت، کاهش بازپرداخت داروها و سایر هزینه‌ها پیش‌بینی کرده بود. لایحه بودجه سه روز پیش بدون تأیید پارلمان و با استفاده از اختیارات ویژه نخست‌وزیری به تصویب رسید. احزاب چپ و راست بارنیه را متهم کردند که خواسته‌های آنها در مورد بودجه را نادیده گرفته است.

بارنیه در آخرین تلاش خود پیش از رای‌گیری گفت کسری بودجه «با جادوی طرح عدم اعتماد از بین نخواهد رفت». او افزود کسری بودجه به سراغ هر دولتی که بعدا سر کار بیاید بازخواهد گشت.

مارین لویسن، رهبر حزب اجتماع ملی، پس از رای‌گیری در بیانیه‌ای گفت: «انتخابی که ما انجام دادیم برای حفاظت از مردم فرانسه بود. میشل بارنیه به وعده‌های خود عمل نکرد. بودجه‌ای که ارائه شد برای مردم فرانسه سمی بود و تنها راه‌حل شرافتمندانه برای کسانی که مأموریت حفاظت از آنها را دارند، مخالفت با آن بود.»

اکنون که دولت بارنیه سقوط کرده است، مکرون باید نخست‌وزیر جدیدی را منصوب کند، اما ترکیب پارلمان تغییری نخواهد کرد و این امر احتمالا باعث رکود سیاسی در پاریس خواهد شد؛ زیرا برگزاری انتخابات پارلمان جدید تا جولای ۲۰۲۵ در زودترین حالت ممکن نیست. اگرچه این وضعیت به معنای تعطیلی دولت به سبک ایالات متحده نیست، اما ممکن است بازارهای مالی را متزلزل کرده و وضعیت اقتصادی شکننده فرانسه را بیش‌ازپیش آسیب‌پذیر کند. بارنیه پیش از برکناری هشدار داده بود که اگر لایحه بودجه‌اش توسط پارلمان فرانسه رد شود، «طوفانی بزرگ و آشفتنگی بسیار جدی در بازارهای مالی» رخ خواهد داد.

بحران ایجادشده در فرانسه با وضعیت مشابه در آلمان هم‌زمان شده است. آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد عضو اتحادیه اروپا، سال آینده میلادی بدترین عملکرد اقتصادی را خواهد داشت. کمسیون اروپا پیش‌بینی کرده است که آلمان پس از آنکه در سال ۲۰۲۴ چهار رکود شد، در سال آینده ۰.۷ درصد رشد کند. برلین همچنین با مشکلات اساسی مواجه است. پس از اختلاف میان اولاف شولتس، صدراعظم آلمان از حزب سوسیال‌دموکرات، و کریستیان لیندنر، وزیر دارایی او از حزب لیبرال‌دموکرات، بر سر سیاست‌های مالی در این کشور، ائتلاف سه حزب حاکم در آلمان در ماه نوامبر فروپاشید. شولتس درخواست برگزاری انتخابات زودهنگام در فوریه را ارائه کرده است.

یادداشت‌به‌عنوانروزنامه‌فولنروزنامه‌گیرالانتشارشکتابآگهی‌دعوت‌ازسنتکلان‌درروزنامه‌شرق‌چاب‌می‌شود
آگهی دعوت از سنتکلان شرکت درفک فارمد پاریس در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۵۵۰۲۹۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۷۱۶۶۵ (نوبت اول) در اجرای ماده ۲۱۵ اساسنامه قانون تجارت از کلیه بستگان شرکت درفک فارمد پاریس در حال تصفیه (مسئولیت محدود) که درج گردیده است دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت هشتاد و سه روز ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ درج گردیده است مدارک منته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای ارش یکسال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول یا ارائه مدارک منته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای ارش لطفی ماشینی به شماره همراه ۰۹۱۲۵۷۶۵۹۶- مستقر در آدرس استان تهران، منطقه ۱۴، شهرستان تهران، بخش مرکزی ، شهر تهران، محله کوهک، خیابان نسیم ۱۶ شرقی، بلوار برادران شهید علی مرادیان پلاک ۱، مجتمع تجاری طوبی‌آبادی (شمالی) طبقه ۱۳، واحد ۱۱۳۱ کدپستی ۱۴۵۷۱۵۵۷۰ مراجعه نمایند بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه درمورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج ازمدت فوق به شرکت متذکر گردد مسئولیتی نخواهند داشت.
آرش لطفی ماشینی – مدیر تصفیه شرکت درفک فارمد پاریس (مسئولیت محدود) در حال تصفیه

برگ سبز و کمپانی خودرورنوتندر K۴M۹۰ مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید شیرازی روغنی به شماره پلاک: ایران ۳۸-۱۳۷-۱۸ شماره موتور: ۱۰۰۰۹۶۰۹RR1۷۳۵۴۵ و شماره شاسی: NAALSRALDGA۲۶۰۷۷
به نام مجید حبیبی مفقود گردیده‌و از درجه اعتبار ساقط می باشد.